



آیا پوتین در آلاسکا حلقه محاصره ترامپ را تکمیل می کند؟

زور آزمایی در آلاسکا

صفحه ۱۱

آیا پوتین در آلاسکا حلقه محاصره ترامپ را تکمیل می کند؟

تاکید

دبیر کل حزب الله لبنان

سلاح مقاومت را

تحويل نمی دهیم

صفحه ۱۱



چرا «سوشون» به یک سریال موفق تبدیل نشد؟

پرهزینه، اما

کم‌رنگ

صفحه ۶



وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران:

جنگ قریب‌الوقوع

نیست

صفحه ۱۱



استقرار

شنبه ۲۵ مرداد ۱۴۰۴
۲۲ صفر ۱۴۴۷
۱۶ آگوست ۲۰۲۵
سال بیست‌ونیم
شماره ۵۹۷۸
۱۲ صفحه
۱۰۰۰۰ تومان

پزشکیان مگر چه گفت؟

پشت پرده طرح

«عدم کفایت سیاسی»

ارزبایی‌ها از صحبت پزشکیان این بود که رئیس‌جمهور به صورت غیرمستقیم از فضاسازی‌های سعید جلیلی در جریان سخنرانی و صحبت‌های رسانه‌ای اخیرش انتقاد کرده است. به خصوص این که استفاده از مثال گوساله‌پرستی توسط جلیلی، واکنش‌های زیادی به دنبال داشت. با توجه به این که دولت وظیفه دارد کشور را از بحران دور نگه دارد و معتقد است دیپلماسی روشی کم‌هزینه‌تر به حساب می‌آید، جریان مقابل تفکرات دیگری را دنبال می‌کند.

رئیس‌جمهور از سوی جریان تندروی داخلی، متهم به نداشتن کفایت سیاسی شده‌است. منتقدان می‌گویند او با اظهارات نسنجیده خود و ناتوانی در مدیریت مسائل کشور، عدم کفایت خود را نشان می‌دهد. اصطلاح عدم کفایت سیاسی اشاره به اصل ۸۹ قانون اساسی و استیضاح رئیس‌جمهور دارد.

این برای دومین بار است که چنین موجی طی دو ماه گذشته علیه پزشکیان ایجاد می‌شود. بار نخست، به دلیل حواشی سفر پزشکیان به آذربایجان جهت شرکت در اجلاس اکو در تیرماه و همچنین مصاحبه با تاکر کارلسون، مجری معروف آمریکایی بود که این موج ایجاد شد. این بار نیز موضوع عدم کفایت به خاطر اظهارات رئیس‌جمهور در دیدار با مدیران رسانه و در حدی پایین‌تر، موضوع واکنش دولت به ماجرای صلح ارمنستان و آذربایجان (محور زنگزور) مطرح شد.

رئیس‌جمهور از سوی جریان تندروی داخلی، متهم به نداشتن کفایت سیاسی شده است.

شرح در صفحه ۶



قفل اف‌ای‌تی‌اف باز می‌شود؟

چراغ سبز FATF

به اقتصاد ایران

صفحه ۵

محمدعلی وکیلی

سرمقاله



به خیابان بریزید!؟

«به خیابان بریزید!» این جمله در روزهای اخیر ورد زبان نتانیاهو خطاب به مردم ایران است. درخواست شورش به شکل التماس‌گونه توسط نخست‌وزیر کنونی و اسبق رژیم اسرائیل، نشانگر انتخاب پل‌تفرم جدید است.

به گمانم نتانیاهو مطابق اذعان، خود را بر دو راهی سرنوشت‌ساز: پیروزی مطلق یا نابودی مطلق می‌بیند.

بر این اساس این‌بار به‌دنبال انتخاب نبرد سرنوشت می‌یاشد.

پیش از این نواشتم، مدل فشار آمریکا و اسرائیل علیه ایران تفاوت دارد.

آمریکا از مدل «اجتماعی، امنیتی، نظامی» بهره می‌جوید ولی اسرائیل از مدل «نظامی، امنیتی، اجتماعی»

بهره‌می‌برد.

در جنگ دوازده‌روزه، آمریکا مجبور به همراهی با مدل اسرائیل شد.

ولی با عدم نتیجه‌گیری مطابق وعده‌های نتانیاهو، به‌نظر می‌آید اکنون مدل آمریکا مبنای اقدام علیه ایران می‌باشد. بی‌تابی و التماس‌های نتانیاهو مبنی بر شورش‌های خیابانی جهت فراهم آوردن زمینه شروع درگیری نظامی، دلیل بر انتخاب مدل آمریکایی است.

به عقیده نگارنده همان‌گونه که جنگ دوازده‌روزه سهم مهمی در تغییر نگرش ایرانیان ایفا کرد و ایرانیان بی‌تفاوت اکنون بشدت خواهان ترمیم توان پدافندی و بالا بردن قدرت بازدارندگی نیروهای نظامی شده‌اند، اکنون نیز با اصرار نتانیاهو بر شورش‌های خیابانی به‌پهانه ناترازی‌ها و کمبودها، ضربه این خطر بشدت کاهش می‌یابد.

با این‌حال مسئولان کشور بایست متوجه شده باشند که دشمن انسجام ملی را هدف قرار داده است.

ادامه در صفحه ۶

توهّمی به نام «اسرائیل بزرگ»



این واقعیات، عملیاتی شدن این توهّم را به یک آرزوی محال تبدیل‌می‌کند.

بین‌المللی حقوقی، اعتماد به نهادهای چندجانبه را بیش از پیش تضعیف می‌کند و الگویی خطرناک برای دیگر مناقشات مرزی جهان ایجاد می‌کند. اصرار تل‌آویو بر پیشبرد طرح‌هایی چون «اسرائیل بزرگ» و پروژه‌هایی نظیر E، نه تنها امید به صلح پایدار را نابود می‌کند، بلکه منطقه را به سوی بحرانی عمیق‌تر سوق می‌دهد. جامعه جهانی باید از مرحله محکومیت شفاهی فراتر برود و با استفاده از ابزارهای سیاسی، اقتصادی و حقوقی، مانع این روند شود. در غیر این صورت، آنچه امروز یک برنامه توسعه‌طلبانه اسرائیل به نظر می‌رسد، فردا می‌تواند جرقه یک بحران فراگیر با پیامدهای جهانی باشد.

رژیم صهیونیستی اکنون با حمایت مستقیم آمریکا در تلاش است تا ژئوپلیتیک منطقه را تغییر دهد. این رژیم هم با مداخله موزیانه در منطق مرزی کشورهای دور از خود، و هم با توسعه شهرک سازی ها می‌کوشد دامنه جغرافیایی خود را وسعت بدهد. اما به نظر می‌رسد واقعیات موازنه قوا در غرب آسیا به راحتی اجازه تحقق چنین توهمی را به آنها نمی‌دهد. غیر از افکار عمومی جهان که روز به روز و لحظه به لحظه علیه این رژیم صعبانی‌تر می‌شود، کشورهای گوناگون جهان در اروپا و آسیا تا آفریقا و آمریکای جنوبی بی‌زاری خود را از این طرح تجاوزکارانه نشان می‌دهند. سازمان‌های معتبر بین‌المللی نیز به صف اعتراض علیه این ایده پیوسته اند. مجموع

برنامه سیاسی برای گسترش مرزهای اسرائیل بدل گشت. هرچند بسیاری از یهودیان جهان و حتی برخی دولت‌های پیشین اسرائیل این ایده را افراطی دانسته‌اند، اما در سال‌های اخیر با قدرت گرفتن راست افراطی، بازتاب عملی آن در سیاست‌های تل‌آویو دیده می‌شود. نتانیاهو در اظهارات اخیر خود، این ایده را نه تنها یک آرمان تاریخی، بلکه یک «وظیفه معنوی» خوانده است.

موج محکومیت بین‌المللی

اتحادیه اروپا، با استناد به قطعنامه ۲۳۳۴، پروژه E را «تهدید مستقیم» علیه راه‌حل دو دولت دانسته است. آلمان و فرانسه هشدار داده‌اند که چنین اقداماتی «فرآیند صلح» را غیرقابل برگشت خواهد کرد. در جهان عرب، اردن اجرای این پروژه را خط قرمز امنیت ملی خود خوانده و مصر و عربستان و امارات و برخی دیگر از کشورهای عرب منطقه نیز با صدور بیانیه‌های مشترک، این سیاست‌ها را محکوم کرده‌اند. اندونزی، به عنوان پرجمعیت‌ترین کشور مسلمان، آن را «تلاشی برای استعمار نوین» نامیده است. این درحالی است که آمریکا در قبال طرح اسرائیل بزرگ، موضعی حاکی از حمایت اتخاذ کرده است.

پیشبرد پروژه «اسرائیل بزرگ» می‌تواند موج تازه‌ای از مقاومت مسلحانه در سرزمین‌های اشغالی و افزایش درگیری‌ها را به همراه داشته باشد. افزون بر آن، ناپدید گرفتن نظام

در حالی که جهان هنوز از شوک جنایات رژیم صهیونیستی در غزه بیرون نیامده و خاطره تلخ قحطی و گرسنگی دادن مردم مظلوم این منطقه همچنان برای مردم جهان آزاردهنده و بهت‌آور است، اظهارات تازه بنیامین نتانیاهو درباره «اسرائیل بزرگ» و پیشبرد طرح‌های جدید شهرک‌سازی در کرانه باختری، موجی از نگرانی و محکومیت بین‌المللی را برانگیخته است. نگرانی‌ای که فقط به خاطر خطر تند تل‌آویو نیست، بلکه به دلیل پیوند عمیق این ایده با ایندولوژی صهیونیسم سیاسی و برداشت‌های افراطی دینی است؛ برداشتی که مرزهای موهوم «سرزمین موعود» را از نیل تا فرات می‌کشد و آن را مأموریتی تاریخی می‌پندارد. ایده «اسرائیل بزرگ» در قرائت‌های خاص از تورات و عهد عتیق، سرزمینی را ترسیم می‌کند که بخش‌هایی از مصر، اردن، سوریه، لبنان و عراق را در بر می‌گیرد و مرزهای جغرافیایی رژیم صهیونیستی را وسعت بسیار می‌بخشد. نتانیاهو اخیراً اعلام کرده که با این طرح، «همدأت‌پنداری» می‌کند و در مسیر تحقق آن می‌کوشد. برخی از تندروترین وزرای کابینه راست‌گرا و افراطی او نظیر اسموئیل هم به شدت دنبال برنامه ریزی برای اجرای این طرح هستند.

مفهوم «اسرائیل بزرگ» در قرن بیستم، به‌ویژه پس از شکل‌گیری جریان صهیونیسم تجدیدنظرطلب و رهبری ولادیمیر ژابوتینسکی، از قالب صرفاً دینی خارج شد و به یک

یادداشت

محمودرامحلو

شاید اولین و مهم‌ترین بحثی که در این حوزه مطرح می‌شود این است که اساساً "جنگ بسترآمده و ما وارد دوره ای در غالب آتش بس و قرارداد ترک محاصمه هستیم؟؟ خیر، پس عملاً" جنگ ادامه دارد و به احتمال بسیار آنگونه که وقتی کارشناسان می‌گویند درصورت عدم تغییر راهبردی در رویکرد متخصصین ایران در موضوع مذاکرات که با تأخیر بی‌منطقی مواجه شده، ادامه جنگ به لحاظ اقتصادی در راه خواهد بود . پس در نقطه اول بدانیم که ادامه جنگ اقتصادی همچنان قوی‌ترین سناریوی پیش روی طرفین است. در نتیجه در هرگونه تحلیل‌ی درباب شرایط پیش رو، اقتصاد کشور به مؤلفه های بسیار مهم آینده این نظام گره خورده و آنچه در عرصهٔ عملی اقتصاد در سطوح و عرصه های مختلف هم مشاهده می‌شود رکود مطلق در کنار تورم اکثر کالاها بخصوص اقلام خوراکی و مایحتاج مردم است که بسیار گران شده اند . شکسپیر می‌گوید : « آن چیزی خوب است که پایانش خوب باشد .»

بنظر میرسد حکمرانی ما در همه عرصه ها بخصوص اقتصاد پس از قریب پنج دهه به جای خوبی نرسیده است و علی‌الظاهر این حاصل انگاره های غلط و خروج نخبگان از دایره تصمیم سازی کشور بوده است . منتقدین منصفی که بحران‌ها را سالها قبل پیش بینی و دلایل علمی و شواهد و قرائن آن را بارها به وضوح تصریح کرده بودند . این گروه خانه نشین یا حاشیه نشین یا سلول نشین شدند و برنامه هایی برای اقتصاد کشور تدبیین شد که دو نمونه فاجعه بار آن چشم انداز ۲۰ ساله آقاي رئيسی در شرایط نیمه جنگی با رشد ۸ درصدی تدبیین شده است و تصویب شده است اما مگر قرار است اجراء شود ما هستیم و یک مشت سیاست محمل و پوچ ، کسانی که استراتژی تدبیین می‌کنند مدعی شناخت دقیق از گذشته آن حوزه و شرایط کنونی و طبعاً براساس استعدادها و توانایی های موجود آینده آن بخش هستند . بزرگان سیاسی مذهبی که برخورد با اسرائیل را امری محتوم می‌دانستند و این تقابل را پیش بینی می‌کردند چه نسخه ای برای اقتصاد کشور در شرایط جنگی پیچیده اند اگر اینگونه است و برای آن برنامه مدونی تدبیین شده، ارائه کنند . اینکه دشمن بر روی شورش و بخشی از جامعه حساب بازکرده محصول سیاستهای غلط کیست؟ هشت سال تورم بالای ۴۰٪ دیگر مگر جانی بر پیکر

خبر

معاون نخست‌وزیر روسیه بیان کرد

مذاکرات ایران و روسیه درباره راه‌آهن رشت – آستارا

یک مقام ارشد دولت روسیه با اشاره به دیدار روز جمعه نخست‌وزیر این کشور با محمدرضا عارف معاون اول رئیس‌جمهوری اسلامی ایران، از تبادل نظر طرفین درباره برخی موضوعات از جمله شتاب‌بخشی به ساخت راه‌آهن رشت-آستارا خبر داد و گفت: دیدار با همکاران ایرانی، سازنده بود.

به گزارش ایرنا از خبرگزاری تاس، الکسی اورچوک این سخنان را روز جمعه ۲۴ مرداد ۱۴۰۴ در پاسخ به پرسش خبرنگاری در حاشیه‌چهل‌وسومین نشست شورای بین دولتی اتحادیه اقتصادی اوراسیا در قرقیزستان بیان کرد. معاون نخست‌وزیر روسیه با اشاره به دیدار میخائیل میوشوستین و محمدرضا عارف در حاشیه این اجلاس اظهار داشت: به طور خاص، طرفین در این دیدار به مسائل همکاری اقتصادی در رابطه با توافقنامه تجارت آزاد میان اتحادیه اقتصادی اوراسیا و ایران و تعدادی از مسائل توسعه حمل و نقل و لجستیک، از جمله جزئیات ساخت راه آهن رشت-آستارا پرداختند.

معاون نخست‌وزیر روسیه ۲۷ فروردین ۱۴۰۴ در این باره گفته بود: متخصصان روسی هم اکنون در ایران حضور دارند و در حال کار بر روی پروژه راه آهن رشت - آستارا هستند. ۱۷ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۲، روسیه و ایران توافقنامه ساخت مشترک مسیر رشت - آستارا به عنوان حلقه مفقوده ریلی کریدور شمال - جنوب در مسیر غرب دریای خزر را امضا کردند. بنا بر این توافقنامه،مسکو یک وام بین دولتی به ارزش ۱.۳ میلیارد یورو برای این پروژه به تهران ارائه می‌کند. بنا بر اعلام منابع روس، هزینه ساخت این خط ریلی ۱.۶ میلیارد یورو برآورد شده است. پیش‌تر در گزارش خبرگزاری دولتی تاس آمده بود: پیش‌بینی می‌شود خط رشت - آستارا با مشارکت مسکو و تهران و خط آستارا (واقع در ایران) - آستارا (واقع در جمهوری آذربایجان) با مشارکت سه‌جانبه مسکو، تهران و باکو احداث شود. «مسعود پزشکیان» رئیس‌جمهور شنبه ۲۶ آبان ۱۴۰۳ در نشستی با وزیر راه و شهرسازی و سفیر ایران در روسیه، ضمن بررسی آخرین گزارش‌ها، بر تسریع در ساخت کریدور خط آهن شمال جنوب از مسیر آستارا به رشت تأکید کرد.

اورچوک در پاسخ به پرسش دیگری مسکو از ایروان در برنامه‌هایش برای ایجاد یک کریدور حمل و نقل با جمهوری آذربایجان به نام مسیر ترامپ حمایت می‌کند، البته اگر ایروان آن را ضروری بداند. معاون نخست‌وزیر روسیه گفت: ارمنستان متحد استراتژیک ماست و اگر ایروان معتقد باشد که طرحی برای آنها مفید است، پس البته ما در اینجا از ارمنستان حمایت می‌کنیم. اورچوک افزود: اگر آنها (ارمنستان) معتقد هستند که امضای بیانیه مربوطه در واشنگتن تضمین‌های امنیتی بیشتری را فراهم می‌کند، پس این اقدام، مناسب است. زیرا ما نیز از فرآیندهای صلح در قفقاز جنوبی حمایت می‌کنیم و این موضوع منطق با منافع فدراسیون روسیه است.

نخست وزیر ارمنستان و رئیس‌جمهور جمهوری آذربایجان عصر جمعه ۱۷ مرداد ۱۴۰۴ (به وقت محلی) در مراسمی در کاخ سفید با حضور دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا، توافق صلح امضا کردند. ترامپ پس از آن گفت: این اعلامیه که «مسیر ترامپ برای صلح و رفاه بین‌المللی» نامیده می‌شود، یک منطقه ترانزیتی ویژه است که به جمهوری آذربایجان اجازه می‌دهد به (بخش دیگر) خاک خود نخجوان دسترسی کامل داشته باشد. رئیس‌جمهوری آمریکا افزود: ارمنستان همچنین در حال ایجاد یک همکاری انحصاری با ایالات متحده برای توسعه این گذرگاه است که می‌تواند تا ۹۹ سال ادامه یابد. عارف معاون اول رئیس‌جمهور روز جمعه ۲۴ مرداد در بخشی از دیدار خود با میوشوستین نخست‌وزیر روسیه به تحولات قفقاز اشاره و خاطرنشان کرد: از هرگونه تفاهم و همکاری برای تنش زدایی و روابط دوستانه و مصمیمانه کشورهای منطقه و همسایه استقبال می‌کنیم البته راهبرد ایران عدم دخالت کشورها و نیروهای خارجی به ویژه در ژئوپلیتیک منطقه است چرا که مسائل منطقه نیاز به نیروهای خارجی ندارد و تمامی کشورهای حوزه قفقاز و آسیای مرکزی می‌توانند در صلح ثبات و امنیت با یکدیگر زندگی کنند. معاون نخست وزیر روسیه همچنین گفت که هفته آینده به ایروان سفر و درباره این موضوع و نیز درباره موارد همچون نحوه مشارکت و فعالیت ارمنستان در اتحادیه اقتصادی اوراسیا با مقامات این کشور گفت‌وگو خواهد کرد.

وی افزود: این سفر از قبل و پس از آن برنامه‌ریزی شد که یک قانون جدید در ارمنستان (درباره پیوستن به اتحادیه اروپا) به تصویب رسید که به نظر ما با قانون اتحادیه اقتصادی اوراسیا مغایرت دارد.

و ناکارآمد و غیرمتخصص ، آخرین ضربه رابه امید مابرای مدیریت اقتصاد دورهٔ جنگ به حداقل می‌رساند .

حرف ما وزیر و وکیل خاصی نیست مشکل ما با رویکرد حاکمیت اقتصاد ، عرصهٔ کنونی روابط بین الملل ، حضور ترامپ در کاخ سفید و منازعات منطقه ای و تغییر ژئوپلیتیک خاورمیانه است . همهٔ اینها سبب می‌شود که هرکه سکان به دست بگیرد شانس کمی برای عبور سالام از دماغهٔ امید نیک بدون رادار داشته باشد . همانطور که مقام معظم رهبری (حفظه الله) فرمودند ۱- برنامه نفوذ در کشور یک برنامه جدی استکبار است ، یکی از اماجهای این نفوذ مسئولانند جهت تغییر محاسبات مسئولان و لذا سبب میشود مسئول کشور تصمیمی بگیرد که دشمن میخواهد و آماج دوم مردم هستند.

۲- مراقب نفوذ دشمن در درون مجموعهی بسیج باشید. این را توجه داشته باشید؛ گاهی یک آدم فاسد، گاهی یک آدم ناباب لباس عوضی میپوشد، خودش را در یک مجموعه‌ای جا میکند، لباس روحانی میپوشد می‌آیدخودش را در [کسوت] روحانئون جا میزند. آدم فاسد، آدم ناباب میتواند در کسوت روحانی دربیاید، میتواند در کسوت بسیجی دربیاید؛ حواستان به این هم باشد، این هم یک توصیه.

۳- در باب امنیّت داخلی هم دستگاهای امنیّتی ما باید مواظب نفوذ باشند؛ عمده نفوذ است؛ نفوذ دشمن در دستگاهای مختلف و اعمال و سوسه‌هایشان؛ مشکل عمده این است. باید مراقب باشند که این [مشکل] را درست کنند.

۴- امروز نقشی دشمن این سه چیز است: فشار اقتصادی، فشار روانی، و فشار علمی؛ هدف هر سه نوع فشارهای دشمن هم سيطره بر کشور عزیز ما ایران است، همچنان‌که بر بعضی از کشورهای بدبخت روسیاه منطقه سيطره و تسلط دارد.

لذا با جمیع جهات مطروحه به این نتیجه میرسیم که بیان موضوعات پسا جنگ ۱۲ روزه در رسانه های متعدد داخلی و خارجی ، علی الخصوص رسانه ملی کشور میتواند یک نقشه برنامه ریزی شده جهت القای غلط اتعام تخاصم دشمنان باشد، فلذا با همه تاکیدات و رهنمودهایی که مقام معظم رهبری داشته اند میتوان به این نتیجه رسید که پدیده ای بنام پسا در جنگ وجود ندارد زیرا اتمامی بنام خصومت در مورد وطن ،توسط خاصمین وجود نداشته و نخواهد داشت .

والعاقبه‌للمتقین